



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



سال انتشار	۱۴۰۲	شماره انتشار	۱۶	دوره انتشار	۵	صفحات	۱-۱۸
------------	------	--------------	----	-------------	---	-------	------

جرایم منافی عفت «جنسی»: از مصلحت «بزه پوشی» تا حقوق بزه دیده

آقای دکتر سید سجاد کاظمی

دانشیار گروه حقوق، دانشگاه ملایر، همدان، ایران.

چکیده

جرایم منافی عفت به دو دسته جرائم «جنسی» و «غیرجنسی» قابل تقسیم هستند؛ قانونگذار در جرایم منافی عفت جنسی علی رغم سخت گیری های ماهوی فراوانی را که از طریق جرم انگاری و کیفرگذاری های متعدد و مشدده به کار بسته اما از منظر شکلی، ترتیب و ضوابط ویژه ای متفاوت از تعقیب دیگر جرائم را منظور داشته است. این «افتراقی سازی» تعقیب کیفری در این طیف جرائم تحت مصلحت اندیشی های خاصی از جمله ممانعت از اشاعه فحشاء و اصل بزه پوشی سرچشمه گرفته است. پژوهش حاضر تلاش دارد با روش توصیفی تحلیلی و با بهره گیری از منابع کتابخانه ای به ارزیابی روش متفاوت رسیدگی به جرایم منافی عفت جنسی در وضعیت فعلی تقنینی و قضایی پرداخته و مهمترین چالشها و موانع این فرایند رسیدگی مورد بحث و بررسی قرار دهد. اگر قانونگذار با تصریح ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری برای نخستین بار در ادوار قانونگذاری کیفری ایران اصل را بر ممنوعیت «تعقیب» جرایم منافی عفت (جنسی) قرار داده و موارد تجویز تعقیب را صرفا در چهار مورد خاص و استثنایی خلاصه کرده اما این روش در عمل مشکلات و چالشهایی از قبیل ابهام در مفهوم و مصادیق دو اصطلاح «شاک» و «منظر عام» در جرائم منافی عفت، دشواری انجام تحقیقات مقدماتی توسط دادگاه، چالشهای ادله اثباتی جرائم منافی عفت، ناآشنایی کنشگران نظام عدالت کیفری از جمله ضابطان با روش متفاوت مواجهه با جرایم منافی عفت و مرتکبان آنها و... به دنبال داشته است.

واژگان کلیدی: جرم، منافی عفت، تعقیب، تحقیق، بزه پوشی

طبقه‌بندی: JEL : فقه – حقوق – جزا و جرم شناسی – حقوق بین الملل – حقوق خصوصی



"Sexual" crimes against chastity; From the expediency of "victimization" to the rights of the victim

Abstract

Crimes against chastity can be divided into "sexual" and "non-sexual" crimes; The legislator in crimes against sexual chastity, in spite of many substantive strictures that he has applied through criminalization and numerous and severe punishments, but in terms of form, has a special order and rules different from the prosecution of other crimes. This "differentiation" of criminal prosecution has originated in this range of crimes under certain expediciencies, including the prohibition of the spread of prostitution and the principle of delinquency. The present study tries to evaluate the different methods of dealing with crimes against sexual chastity in the current legislative and judicial situation by using descriptive-analytical method and using library resources and discuss the most important challenges and obstacles of this investigation process. If the legislator, by specifying Article ۱۰۲ of the Code of Criminal Procedure, for the first time in the criminal legislation of Iran, the principle of prohibition of "prosecution" of crimes against chastity (sexual) and summarizes the cases of prosecution only in four special and exceptional cases, but this method In practice, problems and challenges such as ambiguity in the meaning and examples of the two terms "plaintiff" and "general perspective" in crimes against chastity, the difficulty of conducting preliminary investigations by the court, challenges to the evidence of immoral crimes, unfamiliarity with criminal justice There has been a different way of dealing with crimes against chastity and their perpetrators, and so on.

Keywords: Crime, immorality, prosecution, investigation, pardon



متن مقاله

قرار گرفته اما در ادامه اگر شخص یا اشخاصی مبادرت به ارتکاب یک یا چند مورد از این جرائم نمایند، اصل بر ممنوعیت تعقیب و تحقیق از ایشان بوده و جز در موارد خاص و انحصاری امکان پیگرد کیفری ایشان میسر نمی‌باشد. حتی در صورت تجویز تعقیب، برای اثبات اتهام ایشان از طریق قرار دادن ادله اثباتی خاص که دسترسی به آنها در این جرائم به‌غایت دشوار است، تمام تلاش خود را در راستای عدم اثبات اتهام و تبرئه مرتکبان به کار بسته است.

جرائم منافی عفت شاید تنها جرائمی باشند که قانون‌گذار در حوزه تعقیب کیفری آنها مصلحت عام «لزوم تعقیب به خاطر حفظ نظم عمومی» که در دیگر جرائم جاری و ساری است را کنار گذاشته و مصلحتی دیگر تحت عنوان «حفظ اخلاق عمومی» را جایگزین نموده است. در واقع در تعقیب این جرائم آنچه ملاک است «اخلاق‌مداری» است نه «نظم‌مداری». از اینرو قانونگذار ایران اصل را بر عدم تعقیب جرائم منافی عفت گذاشته و موارد جواز تعقیب را در چهار مورد منحصر کرده است.

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌دهی به این پرسش یا پرسش‌ها است که مهمترین مبانی‌ای که موجبات تصریح اصل ممنوعیت تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت توسط قانون‌گذار را موجب شده است چه مواردی هستند؟ و اینکه موارد اباحه تعقیب در جرائم منافی عفت در مقررات فعلی شامل کدام موارد بوده و مهمترین چالش‌های پیرامون این موارد تجویزی را چه موضوعاتی تشکیل می‌دهند؟ در این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و با بهره‌مندی از منابع کتابخانه‌ای از قبیل کتب و مقالات مرتبط به دنبال پاسخگویی به پرسشهای فوق می‌باشد. با توجه به ابهام‌هایی که در شناسایی جرایم منافی عفت وجود دارد در بادی امر به بررسی مصادیق و انواع جرائم منافی عفت به نحو اختصار پرداخته می‌شود.

۱- شناسایی جرائم منافی عفت

در تعریف عمل منافی عفت آورده‌اند: «ارتکاب عمل ناروا و حرام جنسی که به‌موجب قواعد شرعی و قوانین عرفی هر یک مجازات خاصی دارد، اعمال منافی عفت نامیده می‌شود» (گودرزی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۸۵). مفهوم جرایم منافی عفت برحسب مکان و زمان و در اجتماعات مختلف متفاوت می‌باشند به‌طوری که ممکن است در آن واحد، عملی که در یک کشور براساس طرز تلقی مردم غیرمجاز و نامشروع است در کشور دیگر مجاز و مشروع شناخته شود. به عنوان مثال در ایران رابطه‌ی بین زن و مرد که بین آنها علقه‌ی زوجیت نبوده ولو منجر به رابطه جنسی نگردد نامشروع و جرم تلقی می‌شود در حالی که همین رابطه در اغلب کشورهای غربی جرم و عمل منافی عفت محسوب نمی‌شود. به‌عنوان مثال می‌توان به عمل لواط اشاره کرد که در قانون جرایم جنسی انگلستان مصوب ۲۰۰۳ میلادی آمده است، انجام عمل لواط در صورتی که مخفیانه و با رضایت طرفین بین دو مرد که سن آنها از ۲۱ سال بیشتر است، انجام گیرد قانونی و موجه است و جرم محسوب نمی‌شود (Estrich, ۲۰۱۴, p ۱۰۹۳) درحالی که کشورهای اسلامی از جمله ایران این عمل از نظر مردم قبیح و از نظر قانونی جرم محسوب می‌شود.

قانونگذار ماهوی در حوزه جرائم منافی عفت متأثر از متون فقهی مبادرت به جرم‌انگاری‌های فراوانی در قالب جرایم مستوجب حد و تعزیر نموده و در این راستا تقریباً سنگین‌ترین کیفرهای موجود در قوانین کیفری نیز به جرائم منافی عفت اختصاص پیدا کرده است؛ اما در مقابل، در حوزه شکلی، نهایت سهل‌گیری و مسامحه را در راستای تعقیب کیفری مرتکبان جرائم منافی عفت منظور داشته است. این سیاست جنایی به ظاهر متعارض از برخی مصلحت‌اندیشی‌های شرعی و اجتماعی سرچشمه گرفته است. در بادی امر تقریباً همه روابط بین زن و مرد نامحرم تحت «تجريم»



حدود در ق.م.ا، جرائم دیگری از قبیل هم‌جنس‌گرایی (ماده ۲۳۷ ق.م.ا) نیز ذکر شده است اما این قبیل جرائم جزو جرائم مستوجب حد نبوده و در قلمرو جرائم مستوجب تعزیر (منصوص شرعی) قرار می‌گیرند.

۱-۲- جرائم منافی عفت مستوجب تعزیر

این جرائم نیز مانند جرائم منافی عفت مستوجب حد به چند جرم تقسیم می‌شوند که شامل رابطه نامشروع [۷] یا عمل منافی عفت مادون زنا (ماده ۶۳۷ ق.م.ا بخش تعزیرات)، تظاهر به فعل حرام (ماده ۶۳۸ ق.م.ا بخش تعزیرات)، بدحجابی در معابر و اماکن عمومی (تبصره ماده ۶۳۸ بخش تعزیرات)، دایر کردن مرکز فساد و فحشا یا اداره کردن آن (ماده ۶۳۹ ق.م.ا بخش تعزیرات)، مداخله ناروا در برخی اشیای مضر به اخلاق و عفت عمومی (ماده ۶۴۰ ق.م.ا بخش تعزیرات) می‌باشد (قدسی، ۱۳۸۴، ص ۱). جرائم منافی عفت دیگری نیز در قانون مجازات اسلامی وجود دارند که قانون‌گذار برای آن‌ها مجازات تعزیری [۸] تعیین کرده که از جمله آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره داشت؛ جرم موضوع ماده ۲۲۲ ق.م.ا در خصوص جماع زوج با زوجه میت خود، جرم ماده ۲۳۲ ق.م.ا درباره اقرار کمتر از چهار بار به زنا، لواط، تفخیز و مساحقه، جرم موضوع ماده ۲۳۷ ق.م.ا درباره هم‌جنس‌گرایی در غیر از لواط، تفخیز و مساحقه از قبیل تقبیل و مسامحه، موضوع جرم ماده ۲۴۴ ق.م.ا درباره مرتبط کردن دو یا چند نابالغ برای زنا یا لواط، جرم ماده ۲۵۱ ق.م.ا در مورد قذف انسان نابالغ، مجنون، غیرمسلمان و غیرمعین، جرم موضوع ماده ۲۵۳ ق.م.ا در خصوص نسبت دادن زنا یا لواطی که موجب حد نیست به دیگری، جرم موضوع ماده ۲۵۹ ق.م.ا درباره قذف پدر یا جد پدری به فرزند یا نوه خود و جرم موضوع ماده ۲۶۱ ق.م.ا در مورد قذف یکدیگر.

همان‌طور که قبلاً نیز بیان شد قانون‌گذار این مصادیق را به‌صورت تمثیلی ذکر کرده و برخی از جرائم از قبیل وطی کردن با حیوان یا عورت نمایی

قانون‌گذار در ق.م.ا تعریفی از «جرائم منافی عفت» ذکر نکرده و حتی ضابطه و معیار خاص قانونی نیز ارائه نداده است تا بر مبنای آن بتوان مفهوم جرائم منافی عفت را مورد شناسایی قرار داد. در نتیجه عناصر کلی تشکیل‌دهنده این قسم از جرائم نیز مشخص نیستند. قانون‌گذار به‌جای اینکه جرائم منافی عفت را تعریف نماید تا مصادیق آن معلوم شود، مصادیق را احصا کرده تا تعریف آن مشخص گردد. این روش را «تعریف به مصداق» می‌نامند و آن غیر از تعریف کلی، جامع و مانع می‌باشد که مطلوب اهل علم بوده و کاربرد فراوان دارد (حدادزاده نیری، ۱۳۸۸، ص ۲۹). به‌علاوه احصاء قانون‌گذار حصری نبوده و تمثیلی می‌باشد (شیدائیان و شیدائیان، ۱۳۹۷، ص ۱۱۹).

روش قانون‌گذار سبب شده تا در ق.م.ا مواد قانونی این نوع جرائم یکجا و تحت یک عنوان تدوین نگردیده که با یک نگاه اجمالی بتوان آن‌ها را تشخیص داد و کلیه مصادیق آن را بازشناخت. روش مذکور این خطر را دارد که قاضی را در تشخیص مصادیق جرائم منافی عفت و اعمال سلیقه و دیدگاه خاص خود آزاد می‌گذارد. به هر حال برای یافتن مصادیق جرائم منافی عفت، در هر مورد باید به قانون مراجعه نمود و حکم مسئله را آموخت. جرائم منافی عفت براساس قانون به دو دسته جرائم منافی عفت مستوجب حد و مستوجب تعزیر قابل تقسیم است؛

۱-۱- جرائم منافی عفت مستوجب حد

لازمه پایبندی قاضی به محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها در دادرسی جرائم منافی عفت تشخیص مصادیق این جرائم است. در قانون مجازات اسلامی تحت عنوان حدود، شش نوع جرم منافی عفت ذکر شده است. این جرائم عبارت‌اند از؛ زنا [۱]، لواط [۲]، تفخیز [۳]، مساحقه [۴]، قوادی [۵] و قذف [۶]. از میان جرائم مستوجب حد، صرفاً چهار مورد نخست جزو «جرائم منافی عفت جنسی» به حساب می‌آیند. اگرچه در بخش مربوط به



نیز برخلاف نظر برخی نویسندگان (آخوندی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۹) می‌تواند جزو جرائم منافی عفت محسوب شود اما قانون‌گذار نامی از آن‌ها نبرده است.

گفتنی است اگرچه بر اساس ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک، «به جرائم منافی عفت به‌طور مستقیم، در دادگاه صالح رسیدگی می‌شود»، اما بایستی یادآور شد که از میان انواع جرائم منافی عفت یاد شده در بندهای بالا اعم از مستوجب حد یا تعزیر، صرفاً آن دسته از جرائم منافی عفت موضوع این مقاله قرار می‌گیرند که به تعبیر تبصره ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک، جزو «جرائم منافی عفت جنسی» باشند؛ بنابراین دیگر جرائم منافی عفت از جمله بدحجابی و یا مداخله ناروا در برخی اشیای مضر به اخلاق و عفت عمومی در بادی امر در دادسرا مطرح‌شده و بعد از انجام تحقیقات مقدماتی و صدور کیفرخواست (به ترتیبی که در دیگر جرائم عمل می‌شود) به دادگاه ارجاع داده می‌شوند. تبصره ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک در این باره تصریح می‌دارد: «منظور از جرائم منافی عفت در این قانون، جرائم جنسی حدی، همچنین جرائم رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه است».

۲- کشف و تعقیب در جرائم منافی عفت (جنسی)

در دادرسی جرائم منافی عفت قانون‌گذار از نقطه آغاز رسیدگی تا انتهای آن، ترتیب دادرسی متفاوت و بعضاً متعارضی را در مقایسه با رسیدگی در دیگر جرائم اتخاذ نموده است. به جرات می‌توان گفت که شیوه‌ای از دادرسی افتراقی در این جرائم کاربرد دارد. نقطه آغازین این افتراق در دادرسی کیفری در جرائم منافی عفت از مرحله کشف جرم و آغاز تعقیب مرتکب خود را نمایان می‌سازد؛ به‌نحوی که برخلاف دیگر جرائم که اصل بر تعقیب و پیگیری جرم تا آخرین لحظه از سوی مقام‌های ذی‌ربط می‌باشد در جرائم منافی عفت اصل بر ممنوعیت تعقیب بوده و موارد جواز تعقیب، استثنا و منحصر در موارد معدود می‌باشند. در قسمت حاضر این

اصل و استثنائات آن را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۲- اصل ممنوعیت تعقیب در جرائم منافی عفت (اصل بزه پوشی)
تعقیب و تحقیقات مقدماتی از مهم‌ترین مراحل فرایند دادرسی کیفری به حساب می‌آیند. درواقع می‌توان این دو مرحله را سنگ بنای دادرسی کیفری دانست. پس از ارتکاب جرم، دادسرا به هر طریقی که از وقوع آن مطلع شود، مکلف است که از طرف جامعه تعقیب کیفری را به جریان بیندازد. در این صورت چنانچه عمل ارتكابی جرم بوده و انتساب آن به متهم نیز محرز گردد، تعقیب کیفری را ادامه می‌دهد و در غیر این صورت و یا چنانچه مانعی بر سر راه تعقیب وجود داشته باشد، قرار منع یا موقوفی تعقیب صادر می‌کند (کاظمی، ۱۳۹۸، ص ۲۸۶). دادسرا از چند طریق از وقوع جرم مطلع می‌شود، مانند شکایت شاکی یا مدعی خصوصی، اعلام و اخبار ضابطان دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن، اظهار و اقرار متهم یا اطلاع دادستان از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر و... (ماده ۶۴ ق.آ.د.ک).

علی‌رغم تصریح ماده ۶۴ ق.آ.د.ک مبنی بر آغاز تعقیب به محض اطلاع دادستان از وقوع جرمی، اما در جرائم منافی عفت (جنسی) اصل بر ممنوعیت تعقیب است، مگر در مواردی که قانون‌گذار اجازه داده است. ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک در این باره مقرر می‌دارد: «انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی یا به‌عنف یا سازمان‌یافته باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط مقام قضایی انجام می‌شود». علت ممنوعیت تعقیب و تحقیق در این جرائم از سیاست بزه پوشی اسلام در مواجهه با جرائم منافی عفت ناشی می‌شود (اصغری‌پور، ۱۳۹۷، ص ۱۰)، سیاستی که مبتنی



جرائم مکلف هستند که تا جای ممکن از کشف جرم و انجام تعقیب و تحقیق در آن‌ها خودداری کرده و اصولاً وارد این گونه قضایا نگردند. اعمال این نوع سیاست جنایی اقتضاء دارد که به‌طور کلی در جرائم منافی عفت از جمله زنا و لواط تحقیق و تجسس حرام بوده و کسی حق نداشته باشد آن‌ها را افشا کند. این ممنوعیت نه تنها نسبت به آحاد جامعه بلکه نسبت به دادسرا و دادستان نیز برقرار است، لکن هرگاه ارتکاب اعمال منافی عفت از جمله زنا و لواط به گونه‌ای باشد که از صرف نقض حقوق الهی خارج گردیده و متضمن اخلال در حقوق جامعه یا افراد خاصی نیز باشد ممنوعیت تحقیق و تجسس برداشته شده و در این صورت تحقق و تجسس قاضی یا دادستان حسب مورد مجاز و حتی واجب می‌گردد (احمدی، ۱۳۸۶، ص ۵۲).

بنابراین در حقوق کیفری کشور ما در قوانین بعد از انقلاب، علی‌رغم جرم انگاری حداکثری که در حوزه جرائم منافی عفت اتفاق افتاده و تقریباً تمامی رفتارهای مابین دو جنس مخالف که با هدف التذاذ جنسی باشد در صورتی که بین ایشان رابطه ازدواج (اعم از دائم یا موقت) برقرار نباشد را مورد «تجريم» قرار داده است (در قالب جرائم مستوجب حد و تعزیر)، اما در حوزه فرایند دادرسی این جرائم و مسائل شکلی مرتبط، راه دیگری را برگزیده و اصل را بر عدم تعقیب و تحقیق قرار داده است. این موضوع می‌تواند در بادی امر نمایانگر سیاست کیفری متناقضی در خصوص این جرائم باشد که علی‌رغم اینکه قانون‌گذار با جرم انگاری و کیفر انگاری حداکثری رفتارهای جنسی، این پیام را به افراد جامعه داده که تمامی رفتارهای ایشان در حوزه اعمال و اقدامات منافی عفت جرم بوده و مورد نهی قانون‌گذار کیفری قرار گرفته است، اما در مقابل اگر فردی از همین اعضای جامعه مرتکب این گونه رفتارها شود، همان قانون‌گذار، نهایت سهل گیری را برای تعقیب، تحقیق و محاکمه وی منظور داشته و به عبارتی

بر منع اشاعه فحشا است. بدین ترتیب قانون‌گذار با الهام از شرع مقدس، اصل را بر ممنوعیت انجام تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت نهاده است.

در دین اسلام ارتکاب اعمال منافی عفت از جمله زنا و لواط جزو گناهان بسیار بزرگ بوده و مرتکبین این جرائم سزاوار مجازات‌های سنگینی دانسته شده‌اند (نوبهار، ۱۳۸۹، ص ۱۹). باین حال به‌منظور جلوگیری از شیوع این محرمات که برای سلامت اخلاقی آحاد جامعه مضر بوده و نیز حفظ آبروی افراد مرتکب جرم، سیاست جنایی خاصی در قبال مرتکبین این جرائم اتخاذ و تا جایی که ممکن است اجازه داده نشده که این جرائم بر ملا و مرتکبین آن شناسایی و مجازات شوند (محمدی جورکویه، ۱۳۸۹، ۱۱۶)، لکن اعمال این سیاست در جایی است که جرم در خفا و به دور از انظار عموم محقق شده و موجب تضییع حقوق افراد دیگر هم نگردد. به عبارت دیگر چنانچه جرم زنا و لواط در خفا انجام و شاکی خصوصی نیز نداشته باشد در این صورت نه به حق جامعه تعرض شده و نه به حقوق فرد خدشه وارد گردیده است بلکه فقط حق الله و حدود خداوند نقض شده و چون خداوند متعال مظهر عظوفت و رحمانیت و بزه پوشی نسبت به بندگان است، در جایی که صرفاً حق خودش مورد تعرض واقع شده باشد اغماض نموده و حداقل در دنیا اعمال عقوبت را برای آن‌ها مجاز نمی‌داند. روایاتی از قبیل «تا می‌توانید بزه پوشی کنید [۹]» و «تا می‌توانید حدود را اجرا نکنید [۱۰]» مبتنی بر همین دیدگاه و مؤید اصل بزه پوشی در حقوق کیفری اسلامی است (احمدی، ۱۳۸۶، ص ۵۲). سیاست بزه پوشی در جرائم منافی عفت باعث گردیده است که در این جرائم وظایف جدیدی نیز (برخلاف جرائم دیگر) برای دادسرا و دادستان به‌عنوان نماینده جامعه تعریف شده و مقامات قضایی هرچند در جرائم دیگر وظیفه دارند تا حد امکان بکوشند که جرائم را کشف و مرتکب را دستگیر نمایند، در این



ماهوی به هرگونه رابطه جنسی نامشروع بین افراد و فعالیت‌های مجرمانه با محوریت مسائل جنسی اطلاق می‌گردد که برحسب عرف و احساسات جامعه قبیح بوده و منافی عفت و اخلاق عمومی است. لکن در ق.آ.د.ک مطابق تصریح تبصره ماده ۳۰۶ منظور از جرائم منافی عفت، جرائم جنسی حدی و همچنین جرائم رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه اعلام شده است؛ بنابراین مفهوم جرائم منافی عفت در ق.آ.د.ک محدودتر از مفهوم ماهوی این جرائم است. چراکه قلمرو مدنظر ق.آ.د.ک تنها شامل روابط جنسی نامشروع بین افراد شده و فعالیت‌های مجرمانه مخالف اخلاق با محوریت مسائل غیر جنسی را در بر نمی‌گیرد. بدین ترتیب ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های صورت گرفته در ق.آ.د.ک در رابطه با دادرسی جرائم منافی عفت، تنها شامل جرائمی می‌گردد که مشمول تبصره ماده می‌شوند و سایر جرائم منافی عفت مذکور در قوانین ماهوی مانند مداخله ناروا در برخی اشیای مضر به اخلاق و عفت عمومی و... را در برنمی‌گیرد.

هرچند که مصادیق جرائم منافی عفت در ق.م.ا به صورت تمثیلی بیان شده و حصری نیست، لکن به منظور تشخیص مصادیق جرائم منافی عفت مدنظر ق.آ.د.ک، فهرست جرائم منافی عفتی را که به صراحت در ق.م.ا ذکر شده و مشمول تبصره ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک می‌شوند شامل؛ زنا، لواط، تفخیز، مساحقه، روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر زنا، هم‌جنس‌گرایی در غیر موارد لواط، تفخیز و مساحقه و درنهایت جماع زوج با زوجه متوفی خود.

۲-۲- موارد جواز تعقیب در جرائم منافی عفت

بر اساس ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک هرگاه جرائم منافی عفت در مرئی و منظر عام واقع شده، دارای شاکی خصوصی بوده، به عنف اتفاق افتاده یا سازمان‌یافته باشد، مقام قضایی مجاز است تا تعقیب و تحقیق را انجام دهد. درواقع جرائم ارتكابی در این مصادیق با مبانی ممنوعیت تعقیب و

تمامی تلاش خود را مصروف این موضوع کرده است که چنین شخصی هیچ مجازاتی را متحمل نگردد!

در قوانین قبلی دادرسی کیفری مانند ق.آ.د.د.ع.ا.ک مصوب ۱۳۷۸ و ق.ا.ق.ت.د.ع.ا. مصوب ۱۳۸۱، قانون‌گذار هیچ اشاره‌ای در ممنوعیت «تعقیب» جرائم منافی عفت نیاورده و صرفاً «تحقیق» در این جرائم را ممنوع شمرده بود. درواقع قانون‌گذار در شرایط فعلی در راستای سیاست بزه پوشی گامی افزون‌تر برداشته و علاوه بر تحقیق در جرائم منافی عفت، تعقیب در آن‌ها را نیز ممنوع اعلام کرده است. این موضوع می‌تواند تفاوت مهمی در مقایسه با قوانین قبل به حساب آید که ضابطین دادگستری و دادستان حتی اجازه اقداماتی برای «کشف» جرم منافی عفت را نیز ندارند ولو اینکه از وقوع جرم مطلع شده و نسبت به آن علم کافی نیز داشته باشند، مگر اینکه جزو موارد چهارگانه ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک باشد. مقصود قانون‌گذار از عبارت «پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست» مقرر در ماده ۱۰۲ نیز همین ممنوعیت تحقیق در این گونه جرائم است. از طرف دیگر این عدم جواز مطلق بوده و دادستان و بازپرس نمی‌توانند از هیچ‌کسی اعم از متهم، شهود یا مطلع پرسشی در این خصوص داشته باشد. لذا مشخص است که سیاست بزه پوشی به نحو مشخصی در قوانین کیفری کشور ما در حوزه جرائم منافی عفت پذیرفته شده و این موضوع می‌تواند دلیل و مبنای بسیار مهمی برای ایجاد یک شیوه دادرسی افتراقی در حوزه جرائم منافی عفت در مقررات فعلی باشد که در قالب نوعی از دادرسی بدون کیفرخواست در رسیدگی به این جرائم متجلی شده است.

قابل ذکر است (همان‌گونه که قبلاً نیز بیان شد) مفهوم مدنظر ق.آ.د.ک از «جرائم منافی عفت غیرقابل تعقیب و تحقیق»، با مفهومی که این جرائم در قوانین ماهوی دارند متفاوت است. جرائم منافی عفت از لحاظ مفهوم



علنی شود، مانند مکان خصوصی که عبور و مرور دیگران در آن آزاد است و مکانی که از بیرون قابل مشاهده است و یا مکان خصوصی که عمل در آن در مرئی و منظر دیگران باشد (شامبیانی، ۱۳۸۲، ص ۵۶۱).

صرف ارتکاب جرم در اماکن عمومی مانند پارک‌ها و خیابان‌ها، جرم در مرئی و منظر عام محسوب شده، حتی اگر در لحظه ارتکاب جرم، کسی در آن محل حضور نداشته باشد. لکن در اماکن خصوصی مانند منزل شخصی افراد، زمانی جرم در مرئی و منظر عام به حساب می‌آید که ارتکاب جرم در برابر دیدگان چند نفر (حداقل سه نفر) صورت پذیرد به نحوی که ارتکاب جرم در منظر عام قابل احراز باشد مانند زمانی که شخص در بالکن یا تراس خانه خود که از بیرون قابل مشاهده است مرتکب جرم جنسی شود. لازم به ذکر است برخی مواقع تشخیص عمومی یا خصوصی بودن محل ارتکاب جرم مشکل است. به‌طور مثال اماکنی همچون فروشگاه‌ها، شرکت‌ها و مطب‌ها می‌توانند هم جزء اماکن عمومی محسوب شده و هم جزء اماکن خصوصی. بدین ترتیب که اماکن مذکور در اوقات آزاد بودن رفت‌وآمد عمومی به آن‌ها، جزو اماکن عمومی و در غیر این اوقات جزو اماکن خصوصی به حساب می‌آیند. فایده تفکیک عمومی یا خصوصی محل ارتکاب جرم در این است که در اماکن عمومی حتی اگر کسی در محل ارتکاب جرم نیز حضور نداشته باشد جرم در مرئی و منظر عام حساب شده و قابل تعقیب است، لکن در اماکن خصوصی تنها زمانی جرم در مرئی و منظر عام به حساب می‌آید که ارتکاب جرم در مقابل دیدگان چند نفر (حداقل سه نفر) صورت پذیرد؛ بنابراین اگر ارتکاب جرم در اماکن خصوصی در معرض دید کمتر از سه نفر صورت پذیرد جرم در مرئی و منظر عام به حساب نیامده و قابل تعقیب نیست.

شاید بتوان یکی از معیارهای تعیین اماکن عمومی از خصوصی را تبصره ماده ۵ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب

تحقیق در جرائم منافی عفت مغایرت داشته و به همین خاطر قانون‌گذار اجازه تعقیب و تحقیق در آن‌ها را صادر کرده است.

۲-۲-۱- ارتکاب جرم در مرئی و منظر عام

یکی از استثنای‌های ممنوعیت تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت ارتکاب این جرائم در مرئی و منظر عام است. مرئی و منظر عام بر وزن مَفْعَل، اسم مکان در زبان عربی است که در اینجا به معنای «در برابر چشمان، در نظرگاه، در معرض دید و تماشا» می‌باشد (آخوندی، ۱۳۸۲، ص ۳۵). می‌توان گفت منظور از جرائم در مرئی و منظر جرائمی است که به‌طور علنی ارتکاب می‌یابند. یکی از اهداف بزه پوشی جلوگیری از شیوع و انتشار آن‌هاست؛ زیرا بزه پوشی در صورت اشاعه جرم فاقد سودمندی، مصلحت و فایده است (صادقی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۴). جرائمی که در مرئی و منظر عام ارتکاب می‌یابند پس از ارتکاب، شایع و منتشر شده و نمی‌توان از شیوع و انتشار آن‌ها جلوگیری کرد. به این سبب قانون‌گذار در این مورد اجازه تعقیب و تحقیق در محدوده اوضاع و احوال مشهود را داده است.

آیا در جرم ارتكابی در مرئی و منظر عام، محل ارتكاب حتماً باید از اماکن عمومی باشد یا اماکن ارتكاب جرم در مرئی و منظر عام در اماکن خصوصی نیز وجود دارد؟ برخی از نویسندگان حقوقی این دیدگاه را دارند که سه نوع علن وجود دارد؛ اول، علن بالذات است یعنی اماکنی که به‌طور طبیعی، علنی هستند و در اختیار عموم می‌باشند، مانند خیابان‌ها و جنگل‌ها و پارک‌ها، ارتکاب عمل در این اماکن علنی است، هرچند کسی شاهد آن نباشد یا عمل در تاریکی یا مخفیانه انجام شود. دوم، علن در نتیجه‌ی عمل انسان است، مانند مساجد، مدارس، ادارات و فروشگاه‌ها که برابر ضوابطی در اختیار عموم می‌باشد و هرگاه عمل در زمان آزاد بودن رفت و آمد در آنها صورت گیرد، علنی محسوب می‌شود. سوم، علن به علت محلی است که اگر انجام عمل در آن بدون احتیاط صورت گیرد ممکن است



اجتناب‌ناپذیر می‌نماید؛ زیرا در اسلام همان‌طور که بر اصل بزه پوشی تأکید فراوان شده، اصل حمایت از بزه دیده و جبران تألمات روحی و خسارات مادی وی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. از این‌رو هرگاه اصل بزه پوشی با اصل حمایت از بزه دیده تعارض پیدا نماید، بنا بر قاعده‌ای که در باب تراحم مطرح است اصطلاحاً امری که فسادش بیشتر است به‌وسیله امری که فسادش کمتر است دفع می‌شود (دفع افسد به فاسد) و به ناچار حرمت تحقیق برداشته شده و حکم جواز بلکه وجوب تحقق می‌یابد (احمدی موحد، ۱۳۸۶، ۵۴).

از این‌رو یکی از استثنائات ممنوعیت تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت، وجود شاکی خصوصی در این جرائم است و تا زمانی که شاکی خصوصی نباشد هرگونه تحقیق و تعقیب ممنوع است کما اینکه در پرونده ۹۶۰۹۹۸۷۱۱۷۵۲۰۰۰۶ درجایی که چند زن و مرد در حال عمل جنسی توسط پلیس امنیت اخلاقی دستگیر شده بودند با تفسیر اینکه جرم ارتكابی فاقد شاکی خصوصی و غیر علنی بوده حکم به برائت متهمان صادر شده است (سلطانی فرد و دیگران، ۱۳۹۸، ۱۵۸). بزه پوشی منحصرراً در حقوق الله مطرح است، زیرا مخفی داشتن جرائم و تمایل به ترک تعقیب آن در حق الناس موجب اضرار غیر و یا فوت حق دیگری بوده و این خود ستمی بر بزه دیده محسوب می‌گردد (صادقی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۱). به همین دلیل قانون‌گذار در صورت وجود شاکی خصوصی، اجازه تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت را در محدوده شکایت صورت گرفته داده است. یکی از مسائل مهم در دادرسی جرائم منافی عفت، شناخت «شاکی خصوصی» است. اینکه چه کسانی حق طرح شکایت در این جرائم را داشته و گذشت آن‌ها چه تأثیری بر روند دادرسی می‌گذارد، از نکات مهمی است که در این زمینه باید موردبررسی قرار گیرد.

از نظر ماده ۱۰ ق.آ.د.ک، شاکی، شخصی است که از وقوع جرم متحمل

۱۳۹۴ دانست که مقرر داشته است «اماکنی که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار می‌گیرند، مانند قسمت‌های مشترک آپارتمان‌ها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و نیز وسایل نقلیه مشمول حریم خصوصی نیست». مطابق این ماده اماکن مذکور نیز جزء اماکن عمومی محسوب شده و در صورت ارتکاب جرم منافی عفت قابلیت تعقیب و تحقیق را دارند؛ اما اداره کل حقوقی قوه قضائیه در مخالفت با این استدلال در نظریه مشورتی ۷/۹۴/۳۴۰۰ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۸ مقرر داشته است «منظور از عبارت «جرم در مرئی و منظر واقع شده» مذکور در ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری این است که جرم منافی عفت به نحوی ارتکاب یابد که مورد مشاهده عموم افراد قرار گیرد بنابر این مواردی نظیر قسمت مشاعات آپارتمانها که امکان حضور عموم افراد وجود ندارد از شمول عبارت «مرئی و منظر مردم» خارج است، اما تبصره ماده ۵ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴/۰۱/۲۳ که در راستای اهداف مذکور در این قانون وضع شده است امری متفاوت از ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری بوده و ارتباطی با آن ندارد.» به نظر می‌رسد اداره مذکور در راستای سیاست‌های تقنینی قانونگذار و در جهت حمایت از بزه پوشی جرایم جنسی با هدف پنهان نگه داشتن این جرایم تا حد امکان تلاش در عدم گسترش مصادیق مرئی و منظر نموده است.

۲-۲-۲- وجود شاکی خصوصی

اگرچه سیاست جنایی اسلام مبتنی بر اصل بزه پوشی و حرمت تجسس در جرائم منافی عفت می‌باشد لکن اعمال این سیاست تا جایی معتبر است که به حق دیگران (حق الناس) تعرضی صورت نگرفته باشد. هرگاه جرم دارای شاکی خصوصی بوده به دلالت عقل و شرع حرمت تحقیق و تجسس برداشته شده و بنا بر وجود مصلحت اقوی که حمایت از بزه دیده و دفاع از حقوق وی است تحقیق و تجسس ضرورت یافته و افشای جرم را



است که بزه دیده در صورتی حق طرح شکایت را دارد که به سن بلوغ رسیده باشد؛ زیرا تا زمانی که به سن بلوغ نرسیده است اهلیت برای اقامه دعوی را نخواهد داشت.

علاوه بر افراد ذکر شده، چنانچه در نظریه مشورتی شماره ۷/۷۲۷۰ مورخه ۱۳۸۲/۸/۲۸ اداره حقوقی قوه قضاییه آمده است، زوج و زوجه نیز در صورت ارتکاب جرم زنا محصنه از سوی دیگری، واجد حق طرح شکایت هستند. هرچند که در این نظریه فقط به جرم زنا محصنه اشاره شده لکن به نظر می‌رسد که می‌توان حکم این قضیه را به سایر جرائم منافی عفت نیز تسری داد؛ زیرا همان حقی که در این جرم مورد حمایت قرار گرفته و به تبع آن اجازه طرح شکایت به زوج و زوجه داده شده، در سایر جرائم منافی عفت نیز وجود دارد. می‌توان حق شکایت همسر را حقی نشأت گرفته از عقد نکاح منعقد میان طرفین دانست، زیرا به موجب این عقد نکاح زوج و زوجه مکلف به رعایت اصل وفاداری به یکدیگر گردیده و هیچ کدام از طرفین حق ندارد برخلاف این اصل رفتاری را انجام نماید. ذکر این نکته هم لازم است که اگرچه مرد می‌تواند با حصول شرایطی بیش از یک همسر اختیار کند اما گذشته از اینکه امروزه این امر مطابق قوانین موجود نیاز به کسب اجازه (از دادگاه یا همسر اول) دارد، باز هم ازدواج دوم مرد، چه دائم باشد چه موقت، با وارد شدن در رابطه نامشروع متفاوت است. لذا هر یک از زوجین به عنوان طرف دیگر این "عقد" می‌تواند "زبان دیده مستقیم" از جرم منافی عفت تلقی گردد.

لازم به ذکر است که اختصاص این حق برای زوجین در قوانین گذشته نیز مورد اشاره قرار گرفته بود. ماده ۲۱۲ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ در این باره مقرر می‌داشت: «در صورت ارتکاب رابطه نامشروع از سوی مرد متأهل، زوجه او در صورت ارتکاب زن متأهل، شوهر او سمت مدعی خصوصی را داشته و تعقیب جزایی موکول به شکایت آن‌ها است»؛

ضرر و زیان شده و درخواست تعقیب کیفری مرتکب را دارد. ضرر و زیان وارده در جرائم منافی عفت عموماً معنوی و حیثیتی است، به همین خاطر ممکن است اشخاص بسیاری مدعی ورود ضرر و زیان معنوی و حیثیتی در ارتکاب این جرائم بشوند. از جمله این اشخاص می‌توان به همسر، پدر، مادر، برادر، سایر خویشاوندان و حتی همسایگان متهم اشاره داشت. به یقین نمی‌توان در جرائم منافی عفت هر شخصی را که مدعی ورود ضرر و زیان معنوی است شاکی خصوصی قلمداد کرد؛ بنابراین تعریف مذکور از شاکی خصوصی نمی‌تواند ابهام شناخت شاکی در جرائم منافی عفت را برطرف نماید.

از نظر برخی نویسندگان عنوان شاکی خصوصی در جرائم منافی عفت، به شخص یا قائم مقام قانونی شخصی اطلاق می‌گردد که مستقیماً از وقوع جرم لطمه دیده باشد (خالقی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۵). تعریف مذکور به ویژه در حوزه جرائم منافی عفت جامع به نظر نمی‌رسد زیرا در این صورت وجود شاکی خصوصی در این جرائم مستلزم به عنف یا اکراهی بودن عمل منافی عفت است. در حالی که همیشه چنین نبوده و در جرائم منافی عفتی که با رضایت دو طرف ارتکاب می‌یابند نیز ممکن است شاکی خصوصی وجود داشته باشد. حال باید دید قانون‌گذار چه کسانی را واجد حق طرح شکایت در جرائم منافی عفت می‌داند. در این رابطه قانون‌گذار در تبصره ۳ ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک مقرر می‌دارد: «در جرائم مذکور در این ماده، اگر بزه دیده محجور باشد، ولی یا سرپرست قانونی او حق طرح شکایت دارد. در مورد بزه دیده بالغی که سن او زیر هجده سال است، ولی یا سرپرست قانونی او نیز حق طرح شکایت دارد». بدین ترتیب بر اساس تبصره مذکور علاوه بر بزه دیده (شخصی که به طور مستقیم از وقوع جرم لطمه دیده است) ولی یا سرپرست قانونی وی نیز در صورتی که بزه دیده کمتر از هجده سال سن داشته باشد حق طرح شکایت در این جرائم را دارد. ضمناً لازم به ذکر



برخلاف اصل بزه پوشی، اصل ممنوعیت تعقیب در جرائم منافی عفت (که در ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک نیز مورد تصریح قرار گرفته) و همچنین برخلاف اصل تفسیر به نفع متهم خواهد بود. ضمناً بایستی توجه داشت که موارد استثنایی و خلاف اصل را باید به صورت محدود و مضیق تفسیر کرده و از تعمیم مصادیق خودداری نمود؛ اما در انتها تذکر این نکته ضروری است که اگرچه در جرائم منافی عفت مانند سایر جرائم شاکی می تواند تقاضای جبران ضرر و زیان معنوی خود را بنماید اما این امر به موجب تبصره ۲ ماده ۱۴ ق.آ.د.ک شامل جرائم مستوجب تعزیر منصوص شرعی نمی گردد. از این رو هرکدام از جرائم منافی عفت که در دسته بندی تعزیرات منصوص شرعی قرار بگیرند پرداخت خسارت معنوی در آنها منتفی خواهد بود. پس از تشخیص شاکی خصوصی در جرائم منافی عفت، باید دید که گذشت وی چه تأثیری بر فرایند دادرسی می گذارد. آثار گذشت شاکی خصوصی در جرائم قابل گذشت و غیرقابل گذشت متفاوت است. گذشت شاکی خصوصی در جرائم قابل گذشت موجب موقوفی تعقیب و یا موقوفی اجرا می شود لکن در جرائم غیرقابل گذشت، گذشت شاکی تأثیری بر روند رسیدگی نمی گذارد و فقط می تواند بر اساس مواد ۳۷ و ۳۸ ق.م.ا در جرائم تعزیری موجبات تخفیف در مجازات مرتکب را فراهم آورد. لازم به ذکر است که در مورد جرائم منافی عفت، تصریحی در قانون مبنی بر قابل گذشت بودن این جرائم صورت نگرفته و لذا این جرائم (به استثنای قذف) غیرقابل گذشت محسوب می شوند. بدین ترتیب گذشت شاکی خصوصی صرفاً می تواند در جرائم منافی عفت تعزیری (و نه حدی) به استناد ماده ۳۸ و ۳۹ ق.م.ا موجبات تخفیف در مجازات مرتکب را فراهم آورد.

علاوه بر این در خصوص تأثیر گذشت شاکی خصوصی در مراحل مختلف دادرسی باید قائل به تفکیک شد. به نظر می رسد اگر گذشت شاکی

بنابراین به نظر می رسد عنوان شاکی خصوصی در جرائم منافی عفت، تنها به طرفین رابطه نامشروع، ولی، قیم یا سرپرست ایشان در صورت محجور بودن و همسر شخص [۱۱] اختصاص داشته و سایر افرادی که مدعی ورود ضرر و زیان به خاطر این جرائم هستند (مانند بستگان نزدیک یا همسایگان) را نتوان به عنوان شاکی خصوصی قبول کرد، لذا اعلام جرم ایشان از این نظر، کافی برای آغاز تعقیب کیفری در جرائم منافی عفت (برخلاف دیگر جرائم) نیست. کما اینکه در دادنامه شماره ۲۸۱۱ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۷ صادره از شعبه اول دادگاه کیفری دو سلماس استان آذربایجان غربی شکایت زن را برای رسیدگی به اتهام روابط نامشروع همسر خود مورد پذیرش قرار داده و همسر شخص را به عنوان شاکی خصوصی مورد پذیرش قرار داده است.

البته اداره حقوقی قوه قضاییه طی نظریه مشورتی شماره ۷/۹۴/۱۱۳ مورخه ۱۳۹۴/۵/۷ اعلام داشته که: «با توجه به تعریف ضرر و زیان معنوی به شرح مقرر در تبصره یک ماده ۱۴ ق.آ.د.ک همسر، پدر و مادر در جرائم منافی عفت می توانند در زمره شکات محسوب شوند» به همین دلیل برخی از شعب دادگاهها، همسر را به عنوان شاکی خصوصی مورد پذیرش قرار می دهند از نمونه های آن می توان به دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۳۰۵۷۷۰۰۶۹۲ مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۳۰ صادره از شعبه چهارم دادگاه عمومی دادگستری استان البرز اشاره نمود. به نظر نمی رسد این دیدگاه صحیح و موافق منظور قانون گذار باشد زیرا با پذیرش پدر و مادر به عنوان شاکی جرم منافی عفت، هیچ توجیه یا دلیلی برای بر عدم پذیرش شکایت سایر بستگان مانند پدر بزرگ و مادر بزرگ یا عمو و دایی به بهانه ورود ضرر و زیان معنوی وجود نداشته و این باعث گسترش موارد جواز تعقیب جرائم منافی عفت می گردد که با فلسفه بزه پوشی در جرایم منافی عفت مغایر به نظر می رسد. این جواز گسترش موارد تعقیب خود



شاکی بوده یا شاکی شناسایی نشده است. به نظر می‌رسد اینکه با وجود عدم تمایل بزه دیده به اعلام شکایت، با تحقیق و پرسش از افراد پرونده تشکیل داده شود جای تأمل دارد، چراکه ممکن است صدمات روحی وارده به بزه دیده را دوچندان ساخته و موجب تجدید خاطرات ناراحت کننده و تشدید تألمات روحی وی شود. ضمناً با توجه به ساختار فرهنگی و فکری جامعه ممکن است ادامه زندگی بزه دیده در جامعه را با مشکل مواجه کرده و از حالت عادی خارج کند.

حالات و رفتارهایی نیز در قانون پیش‌بینی شده که قانون‌گذار آن‌ها را در حکم جرائم منافی عفت به عتف می‌داند. تبصره ۲ ماده ۲۴۴ ق.م.ا در این رابطه مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا با او نباشد در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند رفتار او در حکم زنا با او نباشد است. در زنا از طریق اغفال و فریب دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن اگرچه موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق جاری است». هرچند که ماده مذکور تنها به جرم زنا اشاره کرده لکن می‌توان حکم این ماده را در سایر جرائم منافی عفت نیز جاری دانسته و این رفتارها را از مصادیق جرائم منافی عفت به عتف محسوب کرد.

۲-۲-۴- جرائم سازمان‌یافته
جرائم منافی عفت سازمان‌یافته نیز یکی از مواردی است که قانون‌گذار اجازه تعقیب و تحقیق در آن‌ها را داده است. در ق.م.ا، تعریفی از جرم سازمان‌یافته صورت نگرفته است. جرم سازمان‌یافته (در اینجا جرائم منافی عفت) از سوی برخی نویسندگان اقدام مجرمانه مستمری دانسته شده که برای کسب سود و منفعت از طریق انجام فعالیت‌های غیرقانونی مورد نیاز مردم انجام می‌شود (Albense, ۲۰۱۶, p ۵). این تعریف نسبت به تعداد مرتکبان و سازمان یافتگی جرم و تبانی میان مجرمان و ایفای نقش خاص از طرف هر یک از آنان ساکت بوده و در نتیجه، تعریف جامع و کاملی

خصوصی در حین تحقیقات و قبل از شروع به رسیدگی تحقق پیدا کند، می‌توان قائل به این بود که باگذشت شاکی خصوصی پرونده بلاشاکی خواهد بود و این موضوع می‌تواند سبب توقف دادرسی و صدور قرار موقوفی تعقیب شود؛ اما اگر گذشت پس از ختم تحقیقات و یا در فرایند رسیدگی انجام شود، این گذشت سبب توقف رسیدگی نخواهد شد و جریان رسیدگی تا صدور حکم مقتضی ادامه خواهد داشت.

بحث گذشت خود می‌تواند معیار دیگری در تعیین شاکی خصوصی باشد. اگر پدر، یا سایر بستگان بزه دیده بالغ را جزء شاکی خصوصی قلمداد کنیم باگذشت آنها باید در مجازات شخص مجرم قائل به تفکیک شد، درحالی‌که در رویه قضایی چنین موضوعی وجود ندارد و صرفاً در صورت گذشت بزه دیده‌ای که جرم نسبت به او ارتکاب پیدا کرده است، موجبات تخفیف در مجازات مجرم پدیدار می‌شود.

۲-۲-۳- جرائم به عتف

کلمه عتف در لغت به معنای سختی، درشتی، تند، غلبه و زور به کار رفته است و در اصطلاح حقوقی کلمه عتف در معنای «اقدام واداشتن کسی به کاری بدون رضایت او خواه توأم با عمل مادی باشد خواه نه» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۳، ص ۴۷۷) به کار رفته است. درواقع منظور از جرائم منافی عفت به عتف، انجام عمل منافی عفت بدون رضایت طرف مقابل و با استفاده از قهر و غلبه و یا حتی فریب و اکراه است (توجهی و توکل پور، ۱۳۹۰، ص ۱۱).

یکی دیگر از موارد جواز تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت، ناظر به موردی است که این جرائم به عتف ارتکاب یافته باشند. صرف به عتف بودن عمل منافی عفت مجوز تعقیب و تحقیق در این جرائم است وجود یا عدم وجود شاکی تأثیری در آن ندارد. ظاهراً قانون‌گذار در این مورد حالتی را فرض کرده که عمل منافی عفت به عتف ارتکاب یافته، ولی فاقد



یک جرم منافی عفت نماید، نمی‌توان این جرم را «سازمان‌یافته» تلقی کرده و حکم به قابل تعقیب و تحقیق دانستن مرتکب به موجب ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک داد. از این رو در چنین فرضی تنها در صورتی که رفتار مجرمانه در ملأ عام انجام شده یا به عنف ارتکاب یافته یا شاکی خصوصی شکایت نماید می‌توان اقدام به تعقیب کیفری مرتکب کرد.

۳- صلاحیت انحصاری دادگاه در تحقیق و رسیدگی جرائم منافی عفت برخلاف ق.ا.ق.ت.د.ع.ا. مصوب ۱۳۸۱ که فقط رسیدگی به دو جرم زنا و لواط از مجموعه جرائم منافی عفت را در صلاحیت دادگاه قرار داده بود (مصلایی، ۱۳۸۹، ۶۳) و در مورد دیگر جرائم منافی عفت دادسرا نیز حق مداخله و انجام تحقیقات مقدماتی را داشت، در ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، کلیه جرائم منافی عفت (جنسی) به تصریح ماده ۱۰۲ از محدوده صلاحیت دادسرا و مقامات آن خارج بوده و به صورت انحصاری در صلاحیت دادگاه قرار گرفته‌اند. به هر حال دادستان به محض اطلاع از وقوع جرم منافی عفت، در صورتی که جزو موارد چهارگانه مقرر در ماده ۱۰۲ بوده و اجازه دخالت را پیدا نماید، بلافاصله باید برای کشف جرم اقدام و ضمن دستگیری متهم در صورت حضور و شناسایی، دستورات لازمه برای جمع‌آوری ادله و آثار جرم را صادر کرده و همچنین دیگر اقدامات ضروری در راستای تعقیب جرم منافی عفت را به عمل آورد. بعد از تعقیب اولیه جرم، دادستان موظف است براساس ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک، پرونده (و در صورت دستگیری متهم به همراه وی) را به دادگاه صالحه ارسال دارد و بیش از این، حق هیچ‌گونه مداخله دیگری در جرم منافی عفت را ندارد. در نتیجه دادستان حق ندارد پرونده‌های حاوی جرائم منافی عفت را برای انجام اقدام تحقیق به مقام‌های دادسرا اعم از بازپرس یا دادیار ارجاع دهد. در ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک صحبت از انجام تعقیب و تحقیق توسط «مقام قضایی» شده است. همان‌گونه که می‌دانیم منظور از مقام قضایی، کلیه

نیست؛ اما به نظر می‌رسد بهترین تعریف از جرم سازمان‌یافته در کنوانسیون مقابله با جرائم سازمان‌یافته فراملی (پالرمو) ۲۰۰۰ ارائه شده باشد. در این کنوانسیون جرائم سازمان‌یافته به جرائم شدید یا جرائم خاص پیش‌بینی شده در کنوانسیون اطلاق می‌شود که توسط گروهی متشکل از سه نفر یا بیش‌تر و با هدف تحصیل مستقیم یا غیرمستقیم منفعت مالی یا مادی [۱۲] برای مدتی ارتکاب می‌یابد [۱۳]؛ بنابراین گروهی بودن (حداقل سه نفر)، هدف مشخص و استمرار فعالیت از شرایط ویژگی‌های لازم برای تحقق سازمان‌یافتگی جرم می‌باشد (مقیم و صوفی زمره، ۱۳۹۷، ۵۳). همچنین گروه مجرمانه را باید عبارت از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر دانست که برای ارتکاب جرم تشکیل شده یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد [۱۴].

بدین ترتیب جرائم منافی عفت ارتكابی توسط گروه‌های مجرمانه در صورت دارا بودن شرایط فوق، جرائم منافی عفت سازمان‌یافته محسوب شده و در آن‌ها امکان تعقیب و تحقیق درباره مرتکبان ولو بدون شکایت شاکی خصوصی فراهم است. یکی از نمونه‌های جرم سازمان‌یافته در جرایم منافی عفت را می‌توان دایر یا اداره کردن مرکز فساد و فحشاء موضوع ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی دانست. این نوع از رفتار مجرمانه که در قالب تجارت و کسب منفعت مالی صورت می‌گیرد یکی از سودآورترین درآمدهای غیرقانونی است. این نوع از جرائم منافی عفت با توجه به ماهیت آن در صورتی که بیش از دو نفر در آن نقش داشته باشند می‌تواند یکی از مصادیق جرائم منافی عفت سازمان‌یافته محسوب شود. از نمونه‌های دیگر جرائم منافی عفت سازمان‌یافته می‌توان به بهره‌گیری از دختران، زنان و کودکان به منظور سوءاستفاده‌های جنسی به‌ویژه در مقوله قاچاق انسان اشاره کرد. بایستی متذکر شد در صورتی که یکی از اعضای گروه سازمان‌یافته خارج از اهداف گروه و به صورت خودسرانه اقدام به ارتکاب



این که در قانون استثناء و به آن تصریح شده باشد؛ بنابراین در صورتی که متهم علاوه بر ارتکاب جرائمی که مستقیماً قابل طرح در دادگاه است، متهم به ارتکاب سایر جرائم نیز باشد، در این صورت با لحاظ ماده ۳۱۳ قانون یادشده که به موجب آن، به اتهامات متعدد متهم می-باید توأمان رسیدگی گردد، انجام تحقیقات مقدماتی نسبت به کلیه جرائم توسط دادسرا انجام پذیرد و لذا دادگاه بخش می-باید به جانشینی بازپرس نسبت به انجام تحقیقات مقدماتی در خصوص جرائم لواط، آدم-ربایی و ضرب و جرح عمدی اقدام و در نهایت با صدور قرار نهایی، پرونده را نزد دادستان مرکز شهرستان ارسال نماید و بدیهی است که در صورت صدور کیفرخواست، پرونده جهت رسیدگی نسبت به همه جرائم وفق تبصره-های ۱ و ۲ ماده ۳۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در دادگاه صالح مطرح خواهد

دارندگان پایه‌های قضایی مشغول فعالیت اعم از دادسرا و دادگاه را شامل می‌گردد، لذا ممکن است این تصور پیش بیاید که مقامات قضایی مستقر در دادسرا نیز حق تحقیق درباره جرائم منافی عفت را دارند؛ اما در پاسخ می‌توان گفت اگرچه استفاده از اصطلاح مقام قضایی برای خارج ساختن ضابطان دادگستری در حوزه جرائم منافی عفت و منع دخالت آن‌ها می‌باشد اما اطلاق ماده ۱۰۲ در استفاده از اصطلاح «مقام قضایی» را ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک تخصیص زده و رسیدگی به جرائم منافی عفت را در صلاحیت مستقیم دادگاه دانسته است [۱۵]؛ اما سایر جرائم منافی عفتی که در صلاحیت مستقیم دادگاه نیستند اعم از اینکه مستلزم حد یا تعزیر باشند، ابتدا پرونده در دادسرا مطرح و تحقیقات مقدماتی انجام شده و سپس در صورت صدور قرار جلب به دادرسی، پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال می‌شود.

[۱۶]. همچنین این اداره در نظریه دیگری که البته در گذشته نیز مورد بحث قرار گرفت و راجع به جرائم تعزیری درجه هفت و هشت می‌باشد نیز بر این موضوع تأکید داشته است [۱۷].

به نظر می‌رسد این دیدگاه اداره حقوقی با توجه به موادی که مورد اشاره قرار داده است محل انتقاد و تردید باشد؛ زیرا ماده ۳۱۳ ق.آ.د.ک که اداره حقوقی برای اثبات مدعی خویش از آن استفاده کرده مربوط به صلاحیت محاکم و نه دادسرا می‌باشد. زمانی که تحقیقات مقدماتی جرمی بنابر مصالح خاصی که قانون‌گذار مدنظر داشته، از صلاحیت دادسرا خارج شده، نمی‌توان این مصالح خاص را مورد توجه قرار نداده و رأی به صلاحیت دادسرا در پاره‌ای شرایط داد. در مورد جرائم منافی عفت نیز همین گونه است. قانون‌گذار به خاطر منع اشاعه فحشا و سیاست بزه پوشی حاکم بر

سؤالی که مطرح می‌شود این است که اگر فردی چند اتهام داشته باشد که تحقیقات بعضی از آن‌ها در صلاحیت دادسرا و بعضی دیگر به دلیل منافی عفت بودن در صلاحیت مستقیم دادگاه باشد، دادستان چه وظیفه‌ای دارد؟ آیا باید همه اتهامات را به تبعیت از جرائم منافی عفت به طور مستقیم در دادگاه مطرح نماید یا اینکه تحقیق و رسیدگی باید به صورت جداگانه انجام گیرد. اداره حقوقی قوه قضاییه طی نظریه‌های مشورتی متعدد بر این امر تأکید ورزیده است که در صورت تعدد اتهامات متهم، ولو اینکه بعضی از این اتهامات نیز در صلاحیت مستقیم دادگاه باشند، دادسرا می‌تواند تحقیقات مقدماتی همه جرائم ولو جرائم منافی عفت را انجام دهد. به عنوان نمونه در یکی از نظریه‌های مشورتی اداره حقوقی این گونه آمده است؛ «با توجه به مواد ۲۲، ۸۹ و ۹۲ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، اصل کلی این است که انجام تحقیقات مقدماتی در خصوص کلیه جرائم می-باید در دادسرا صورت پذیرد؛ مگر



کیفری یک نیست از صدور حکم محکومیت خودداری نموده تا شاکی مجدداً شکایتی با موضوع رابطه نامشروع به دادگاه کیفری دو تقدیم نماید. نتیجه‌گیری

جرائم منافی عفت از جمله جرایمی هستند که از ابتدای خلقت انسان تاکنون توسط بشر ارتکاب پیدا کرده است و به جرات می‌توان گفت جامعه‌ای نیست که شاهد وقوع چنین جرایمی نباشد. شارع مقدس و به تبع آن قانونگذار ایران در خصوص این نوع از جرائم دیدگاه بزه پوشی و درنهایت دشواری در اثبات آن را پیش گرفته‌اند و تلاش شد است با حفظ و نشان دادن قبح و زشتی این جرایم از عادی انگاری این قبیل جرایم در جامعه پیشگیری شود. در حقوق کیفری کشور ما علی‌رغم تکرر و تورم قانون‌گذاری که در حوزه «جرم انگاری» و «کیفرگذاری» جرائم منافی عفت با آن مواجه هستیم و قانون‌گذار تمامی حالات و فروض ارتباط دو جنس مخالف (حتی بین دو نفر از یک جنس) که با قصد لذت‌جویی جنسی صورت می‌گیرد را با ریزبینی و جزئی‌نگری سخت‌گیرانه‌ای در قانون مجازات اسلامی مورد جرم انگاری و کیفرگذاری قرار داده است، اما با دنبال نمودن اهداف خاصی، در حوزه آیین دادرسی کیفری و ادله اثبات دعوی، سیاست متفاوتی را دنبال کرده، به‌نحوی که اصل را بر عدم تعقیب و تحقیق مرتکبان جرائم منافی عفت قرار داده و در موارد استثنایی هم که تعقیب و تحقیق را اجازه داده است، در امکان «اثبات جرم» آن قدر سخت‌گیری به خرج داده که عملاً موارد اثبات جرائم منافی عفت در محاکم بسیار اندک و ناچیز باشند. این همان سیاستی است که اگر در اجرا به‌درستی به کار گرفته‌شده و برخی مصلحت‌اندیشی‌های شخصی و اعمال سلیقه‌ها در آن وارد نگردد می‌تواند آثار مطلوب خود را که مدنظر شارع مقدس نیز می‌باشد در جامعه نمایان سازد. البته در وضعیت فعلی، گذشته از ابهامات عملی که در مواجهه کنشگران نظام عدالت کیفری به

این جرائم، مکرراً صلاحیت عام دادسرا برای انجام تحقیقات مقدماتی را درباره جرائم منافی عفت تخصیص زده و این جرائم را در صلاحیت مستقیم دادگاه دانسته است؛ بنابراین حتی در مواردی که متهم با تعدد اتهام نیز روبروست، دادستان بایستی اتهامات وی را از یکدیگر تفکیک کرده، جرائم منافی عفت وی را به شرح تبصره ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک مستقیماً به دادگاه ارسال و برای بقیه جرائم وی پرونده مجزایی تشکیل داده و در دادسرا تحقیقات مقدماتی آن را به انجام برساند.

مطابق با بندت ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی مجازات زنا به عفت برای زانی اعدام است، لذا با توجه به اینکه مجازات زنا به عفت از مجازات‌های سالب حیات محسوب می‌شود، مطابق با ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه صالح به رسیدگی در زنا به عفت دادگاه کیفری یک خواهد بود. چالشی که با آن مواجه هستیم این است که به فرض پرونده‌ای با اتهام زنا به عفت به دادگاه کیفری یک ارسال می‌شود و در حین رسیدگی بنا به هر دلیل مثل اقرار زانیه مشخص می‌شود زنا به عفت نبوده و با رضایت بوده است در چنین حالتی تکلیف چیست؟ مشهورترین راهکار این است در اجرای تبصره ۲ ماده ۳۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری و در اجرای نظریه مشورتی شماره ۷/۹۴/۱۳۳۳ مورخ ۱۳۹۴/۰۶/۰۱ اداره کل حقوقی قوه قضائیه، دادگاه به رسیدگی ادامه داده و چون زنا یک رابطه دو نفره است و با رضایت هم بوده است دادگاه برای هریک از این افراد مجازات مقرر قانونی را در نظر بگیرد. در چنین حالتی ما با انقلاب شاکی و متشاکی مواجه خواهیم شد و علاوه بر متشاکی شاکی را هم مجازات می‌کنیم که این موضوع با اصول قانون جزا مطابق به نظر نمی‌رسد. شاید بتوان گفت راهکار دیگر این است که دادگاه کیفری یک رسیدگی را ادامه داده و در صورت عدم احراز زنا به عفت با استناد به اینکه، رابطه از رابطه نامشروع بوده و رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه



[۱۱] - دلیل دیگری که می‌تواند وجود حق شکایت برای همسر در جرایم منافی عفت را تقویت نماید این است که یکی از مصادیق عسر و حرج زوجه، اثبات خیانت زوج می‌باشد و در عمل نیز این امر به کرات از سوی زنان در دادخواست‌های طلاق مورد اشاره قرار می‌گیرد، از آنجایی که تا زمانی که رابطه نامشروع و خیانت زوج در مرجع کیفری به اثبات نرسد امکان اثبات عسر و حرج و صدور حکم طلاق به استناد این موضوع وجود ندارد، لذا به نوعی زوجه ذی نفع بوده و می‌تواند اقدام به تقدیم شکایت(و نه صرف اعلام جرم) نماید.

[۱۲] - در جرایم منافی عفت ممکن است هدف تحصیل منفعت مادی یا مالی منتفی بوده اما همچنان جرم به صورت سازمان یافته ارتکاب یابد. مثلاً در راستای تجاوز به عفت یا آزار و اذیت دیگران، چند نفر گروهی را تشکیل داده و به صورت سازمان یافته اقدام به آدم ربایی و تعرض جنسی به افراد نمایند و هدف ایشان نیز صرفاً امور جنسی باشد.

[۱۳] U.N convention against transnational organized crimes(۲۰۰۰). Art.۵

[۱۴] - مفاد تبصره ۱ ماده ۱۳۰ ق.م.ا

[۱۵] - این ماده مقرر می‌دارد: «به جرائم منافی عفت به طور مستقیم، در دادگاه صالح رسیدگی می‌شود».

۱- نظریه مشورتی ۱۰۹۴/۹۴/۷ مورخ ۱۳۹۴/۵/۴

[۱۷] - نظریه مشورتی ۱۰۹۸/۹۴/۷ مورخ ۱۳۹۴/۵/۵

ویژه ضابطان دادگستری در صورت اطلاع از جرائم منافی عفت مشاهده شده و درباره این جرائم نیز به مانند سایر جرائم رفتار کرده و عکس‌العمل نشان داده، در مقررات قانونی مرتبط با جرائم منافی عفت به ویژه ماده ۱۰۲ نیز ابهاماتی در موارد جواز تعقیب قابل ذکر بوده که نیازمند همت قانونگذار در اصلاح این نقاط خلاء می‌باشد.

[۱] - در ق.م.ا زنا به انواع مختلفی از قبیل زنا ساده، زنا محصنه، زنا به عفت، زنا با محارم و... تقسیم بندی شده و مجازاتهای سنگینی اعم از شلاق، اعدام و رجم برای این جرم در نظر گرفته شده است. نک به مواد ۲۲۱ به بعد ق.م.ا

[۲] - مواد ۲۳۳ و ۲۳۴ ق.م.ا

[۳] - مواد ۲۳۵ و ۲۳۶ ق.م.ا

[۴] - مواد ۲۳۸ الی ۲۴۰ ق.م.ا

[۵] - مواد ۲۴۲ الی ۲۴۴ ق.م.ا

[۶] - مواد ۲۴۵ به بعد ق.م.ا

[۷] - ماده ۶۳۷ ق.م.ا

[۸] - اکثر قریب به اتفاق این موارد، تعزیرات منصوص شرعی هستند.

[۹] - «فاستر العوره ما استطعت».

[۱۰] - «ادرئو الحدود ما استطعت».



منابع

فارسی

- شماره ۱۰۱، صص ۱۱۷ - ۱۳۹.
۱۲. صادقی، محمدهادی، بزه پوشی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۸ و ۲۹، سال ۱۳۷۸، صص ۱۷۱.
۱۳. کاظمی، سید سجاد (۱۳۹۸) آیین دادرسی کیفری، انتشارات مجد، چاپ اول.
۱۴. گودرزی، فرامرز، کیانی، مهرزاد، پزشکی قانونی، انتشارات سمت، چاپ پنجم، سال ۱۳۸۴، صص ۱۳۸۵.
۱۵. مصلاهی، علی رضا (۱۳۸۹) جرائم در صلاحیت مستقیم دادگاه و تکلیف دادرسی، تعالی حقوق، شماره ۷.
۱۶. محمدی جورکویه، علی (۱۳۸۹) سیاست جنایی اسلام در جرایم جنسی، مجله حقوق اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۴، صص ۸۷-۱۲۱.
۱۷. مقیمی، مهدی، صوفی زمر، محسن (۱۳۹۷) مفهوم و قلمرو جرایم سازمان یافته در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، مجله کارآگاه، سال ۱۱، شماره ۴۴، صص ۴۷-۶۴.
۱۸. نصیری، غلامعلی، قدیری، رشید، نقدی، مریم، قدوسی، کامران (۱۳۹۸) تبیین نحوه تحقیق جرایم منافی عفت در فقه و حقوق کیفری ایران، مطالعات فقهی و فلسفی، دوره شماره ۱۰، شماره ۳۹، صص ۱-۱۶.
۱۹. نوبهار، رحیم (۱۳۸۹) اهداف مجازات در جرایم جنسی (چشم اندازی اسلامی)، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۲۰. هاشم زاده، امیر، هلالی، مهدی (۱۳۹۸) ادله علمی و ارزش اثباتی آن در جرائم منافی عفت، نشریه آراء، سال دوم، شماره ۱۲، صص ۸۶-۱۱۴.
- انگلیسی
۲۱. Albense, Jay (۲۰۱۶) Organized Crime in America 2nded. Ohio, Cincinnati, pp ۱-۱۹.
۲۲. Estrich, Susan (۲۰۱۴) Rape, The Yale Law Journal, The Yale Law Journal, Vol. ۹۵, No. ۶, pp. ۱۰۸۷-۱۱۸۴.

۱. آخوندی، محمود، اثبات جرائم منافی عفت از نگاهی دیگر، مجله مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۲، ۱۳۸۲، صص ۱۰۹.
۲. اصغرپور، ایوب (۱۳۹۷) ممنوعیت تحقیق در جرایم منافی عفت رایانه‌ای، کنفرانس ملی بهبود و بازسازی سازمان ها و کسب و کارها، ۱۳۹۷.
۳. احمدی موحد، اصغر، صلاحیت دادرسی و دادگاه در رسیدگی به جرایم منافی عفت، مجله پیام آموزش، شماره ۲۸، سال ۱۳۸۶، صص ۵۲.
۴. احمدی موحد، اصغر، صلاحیت دادرسی و دادگاه در رسیدگی به جرایم منافی عفت، مجله پیام آموزش، شماره ۲۸، سال ۱۳۸۶، صص ۵۲.
۵. توجهی، عبدالعلی، توکل پور، محمدهادی (۱۳۹۰) وجوه تمایز زنا و تجاوز به عنف با تأکید بر شیوه اثبات، پژوهش نامه حقوق اسلامی، سال ۱۲، شماره دوم، صص ۱۰۱-۱۳۲.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ هجدهم، نشر گنج دانش، سال ۱۳۸۳، ۳۵۲۳.
۷. حدادزاده نبیری، محمدرضا، تحقیق در جرایم منافی عفت، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۷، سال ۱۳۸۸، صص ۲۹.
۸. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، انتشارات شهر دانش، چاپ ۱۳۹۹، ۴۲.
۹. سلطانی فرد، حسین، مالمیر، محمود، عالی پور (۱۳۹۸)، حسن، دادرسی افتراقی جرائم منافی عفت از مقتضای تعقیب تا صلاحیت سازمانی، آموزه های حقوق کیفری، دوره شانزدهم، شماره ۱۸، صص ۱۴۷-۱۶۷.
۱۰. شامبیاتی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، جلد سوم، چاپ چهارم، نشر مجد، سال ۱۳۸۲، صص ۵۶۱.
۱۱. شیداییان مهدی، شیداییان زینب (۱۳۹۷) رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به جرایم منافی عفت، حقوقی دادگستری، دوره ۸۲،



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



مرکز اطلاعات علمی جهان و دانشگاه
Scientific Information Database

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science



ESJI
Eurasian Scientific Journal Index
www.ESJIndex.org



Academic Resource Index
ResearchBib



Academia.edu
share research



۲۳. U.N convention against transnational organized crimes(۲۰۰۰)